



رفتار مسئولیت آفرین وکلای دادگستری در نظام حقوقی ایران

فریده عسکری^۱
مصطفی نامدار پوربنگر^{۲*}

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۱۴

چکیده

بیان مسئله: می‌توان گفت بررسی مسئولیت مدنی وکلا، همانند مسئولیت مدنی قضات دادگاه‌ها از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. سوالات فراوانی در خصوص مسئولیت مدنی وکلاء وجود دارد. نخست آن که آیا مسئولیت مدنی وکلاء را باید نوعی مسئولیت مبتنی بر تقصیر قلمداد کرد یا اینکه قاعده «لاضرر» را بر مبنای مسئولیت مدنی آن‌ها حاکم دانست و مسئولیت آن‌ها را مسئولیتی نوعی دانست؟ همچنین با فرض تحقق تقصیر توسط وکیل و جبران آن به وسیله سازوکار مسئولیت مدنی، چگونه جبران، میزان و نوع جبران خسارت و شخص مسئول جبران و... تعیین می‌شود؟ به عبارت ساده، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری بر چه مبنایی استوار شده است؟ لزوم احترام به این حق از جمله مباحثی است که کمتر بدان پرداخته شده است؛ از این رو شناخت شناخت مبنای و حوزه‌های مسئولیت مدنی وکیل، ضروری است. هدف از انجام تحقیق: هدف نوشتار حاضر این است که خوانندگان با مسئولیت‌های مدنی وکلای دادگستری و همچنین چالش‌های پیش روی آن آشنا شوند. روش تحقیق: در تحقیق پیش‌رو محققین ابتدا با به صورت کتابخانه‌ای اقدام به فیش برداری از مطالب مورد نیاز نموده و سپس با روش توصیفی-تحلیلی موضوع را نقد و بررسی نمودند. یافته‌های تحقیق: مبنای مسئولیت در این حوزه نظریه تقصیر می‌باشد. از این رو در پرتو استناد به قانون عام مسئولیت مدنی، می‌توان با نگارش قانونی جامع، با نگرشی تطبیقی به حقوق دیگر کشورهای پیش‌رو در این زمینه و همچنین اعمال قواعد خود تنظیمی، جبران خسارت ناشی از مسئولیت مدنی وکیل را انتظار داشت.

واژگان کلیدی: وکیل دادگستری، مسئولیت مدنی، جبران خسارت

مقدمه

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد آباء، دانشگاه آزاد اسلامی، آباء، ایران.
private.law212@gmail.com:

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد آباء، دانشگاه آزاد اسلامی، آباء، ایران. (نویسنده مسئول)
mnamdar1390@gmail.com

منشا التزام و تعهد ممکن است اراده و قرار داد متعهد باشد که به تعهد ارادی یا قراردادی تعبیر می‌شود و یا ممکن است، قانون باشد که چنین تعهد و التزامی ضمان قهری یا مسئولیت مدنی به معنای خاص گفته می‌شود که به مناسبت انجام فعل زیان بار نسبت به دیگری، قانون انجام دهنده فعل زیانبار را ملزم به جبران خسارات وارده می‌کند. در نتیجه مراد از مسئولیت مدنی، التزام و تعهدی است که متعهد به مناسبت انجام فعل زیان بار به حکم قانون موظف به انجام آن است و به اراده او این تعهد ایجاد نشده است.

مسئولیت مدنی عبارت است از ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد کرده است. مسئولیت مدنی زمانی به وجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زبانی به او وارد آورد، فرق نمی‌کند عملی که موجب زیان شده است جرم باشد یا شبه جرم، در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است گفته می‌شود که این فرد مسئولیت مدنی دارد و ضامن است. (بیدرام، ۱۳۹۲: ۷۵) این قاعده منطقی و عادلانه از دیرباز وجود داشته که «هر کس به دیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند، مگر در مواردی اضرار به غیر که به حکم قانون باشد یا ضرری که به شخص وارد آمده است ناروا و نامتعارف جلوه نکند» این قاعده نظیر همان چیزی است که در فقه تحت عنوان «من تلف مال الغیر فهو لهو ضامن» ذکر شده است.

همان گونه که موضوع مسئولیت مدنی قاضی در صدور رای از مسائل مهم و ضروری است؛ مسئولیت مدنی وکیل دادگستری نیز در خور تحلیل و پژوهش است. بنابراین می‌توان گفت بررسی مسئولیت مدنی وکلاء همانند مسئولیت مدنی قضات دادگاهها از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. سوالات فراوانی در خصوص مسئولیت مدنی وکلاء وجود دارد. نخست آن که آیا مسئولیت مدنی وکلاء را باید نوعی مسئولیت مبتنی بر تقصیر قلمداد کرد یا اینکه قاعده «لاضرر» را بر مبنای مسئولیت مدنی آنها حاکم دانست و مسئولیت آنها را مسئولیتی نوعی دانست؟

۱. اقسام مسئولیت

آنچه در خصوص مفهوم مسئولیت باید مورد توجه قرار بگیرد «موظف بودن به انجام دادن عمل» می‌باشد. مسئولیت دارای وجوه حقوقی است که به شرح آن اشاره خواهد شد. مسئولیت حقوقی در زیان و ادبیات علم حقوق به معنی عام، شامل مسئولیت مدنی و همچنین کیفری می‌گردد. مسئولیت مدنی ناشی از فعل یا ترک فعل زیان بار و نقض تعهد خسارت‌آور به اشخاص می‌باشد و بر دو قسم است، مسئولیت قراردادی که در نتیجه اجرا نکردن تعهدی که از عقد ناشی شده است

به وجود می‌آید. (عباسلو، ۱۳۹۵: ۸۶) مسئولیت قهری یا غیرقراردادی، وظیفه ایست که قانون در اثر انجام یا خودداری از انجام عملی مستقیماً بر عهده شخص قرار می‌دهد بدون اینکه مبنای آن با قصد انشاء محقق شده باشد. بنابراین مسئولیت مدنی، شامل مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی است که گونه اخیر مسئولیت، ممکن است ناشی از ارتکاب جرم باشد یا از یک عمل غیر مجرمانه.

۱-۱. مسئولیت قراردادی

در حوزه مسئولیت قراردادی اشخاص بر مبنای قرارداد و توافق، متعهد به انجام دادن یا انجام ندادن کاری می‌شوند. در یک تعریف ارائه شده از سوی یکی از حقوقدانان آمده است: «مسئولیت قراردادی در معنای حقوق عبارت از التزام شخص متعهد به جبران خسارتی است که به واسطه عدم اجرای قرارداد به شخص طرف او داده می‌شود، این خسارت به وسیله دادن مبلغی پول جبران می‌گردد... التزام به جبران خسارت طلبکار قراردادی، دنباله و بدل تعهد اصلی نیست؛ ضمان عارضی است که در اثر تقصیر متعهد و کوتاهی او در وفای به عهد به وجود می‌آید و انتساب آن به قرارداد بدین اعتبار است که مبنای تقصیر، نقض قرارداد می‌باشد نه تکلیف عمومی مربوط به خودداری از اضرار به دیگری» مسئولیت قراردادی زمانی به دلیل عدم انجام تعهد اصلی و زمانی به دلیل تأخیر در انجام آن؛ می‌باشد. (السان، ۱۳۸۹: ۸۶)

باید به این نکته نیز اشاره کرد که، هر چند در گذشته اعتقاد بیشتر حقوقدانان بر این بود که بین مسئولیت قراردادی و مسئولیت مدنی تفاوت اساسی و عمده وجود دارد، و آن عبارت از این است که برای تحقق مسئولیت مدنی اثبات تقصیر عامل فعل زیان‌بار لازم است، ولی در مسئولیت قراردادی تقصیر متعهد مفروض است و صرف عدم انجام تعهد در سر رسید آن، تقصیر محسوب می‌شود، اما امروزه با توجه به جبران خسارت زیان دیده که هدف مشترک این دو نوع مسئولیت است، همچنین با عنایت به گسترش دامنه مسئولیت مدنی بدون تقصیر، این گرایش پیدا شده است که با وجودی که شرایط تحقق هر یک از این دو با دیگری متفاوت است، ولی هر دو مسئولیت واحد است و مسئولیت قراردادی نیز زیر مجموعه مسئولیت مدنی محسوب می‌شود.

۱-۲. مسئولیت قهری

مسئولیت قهری یا غیرقراردادی، وظیفه ایست که قانون در اثر انجام یا خودداری از انجام عملی مستقیماً بر عهده شخص قرار می‌دهد بدون اینکه مبنای آن با قصد انشاء محقق شده باشد. بنابراین

مسئولیت مدنی، شامل مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی است که گونه اخیر مسئولیت، ممکن است ناشی از ارتکاب جرم باشد. یا از یک عمل غیر مجرمانه. بنابراین در حوادث رانندگی مسئولیت مدنی گاهی ناشی از ارتکاب جرم بودفه و گاهی مبنای آن، مسئولیت قهری غیر مجرمانه و در بعضی موارد بر مبنای مسئولیت قراردادی تحقق می‌یابد. (طاهری، ۱۳۹۵: ۷۳)

۱-۳. ارکان مسئولیت مدنی

اولین رکن از ارکان دعوی مسئولیت مدنی وجود ضرر است. ضرر یعنی خسارت به شخص یا اموال و یکی از مهمترین ارکان مسئولیت مدنی ضرر است. ضرر دارای معنای عرفی است که هرگونه صدمه مادی یا معنوی وارد به شخص را در بر می‌گیرد. یکی از استادان حقوق ضرر را چنین تعریف کرده است «نقصی بر مال دیگری یا صدمه بر جان دیگری است، به شرط اینکه مقتضی قریب آن محقق شده باشد»

ضرر در مجموع به دو نوع ضرر مادی و ضرر معنوی تقسیم می‌شود. مدر تعریف ضرر مادی باید گفت ضرری است که به مصالح مادی که در حیطه دارایی متضرر قرار خواهد گرفت و شامل نقیصه، معدوم نمودن، معیوب شدن و تلف تملکات و وارد کردن صدمات به سلامتی انسان می‌شود. ضرر معنوی لطمه به حقوق معنوی انسان است که ملازمه با شخصیت فرد انسانی دارد مانند حق آزادی بیان و عمل. (مرادی، ۱۳۹۳: ۴۶)

از جمله شرایط ضرر قابل جبران این است که ضرری که در مورد آن بحث می‌شود مسلم و قطعی باشد. مراد این است که مدعی ضرر باید به طور یقینی و قطعی اثبات کند که به وی زیان وارد شده است.

زمانی ممکن است دادگاه حکم به جبران خسارتی نماید که فعلیت نداشته و ندارد، ولی واقع شدن آن در آینده نزدیک مسلم است. ولی از آنجا که مسلم بوده است در اینجا به معنی قطعیت صد در صد نیست، به محکمه اجازه داده شده که در صورت کم یا زیاد شدن میزان خسارت بتواند تا دو سال در حکم خود تجدید نظر نماید. از ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی در حقوق ایران نیز می‌توان حکم به جبران ضرر آینده که مسلم نیز است را استنباط نمود. (باریکلو، ۱۳۹۷: ۷۵)

دیگر از شرایط ضرر قابل جبران آنکه که ضرر بدون واسطه و به طور مستقیم از فعل خواننده ناشی شده باشد. در ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ مقرر شده است: «در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است. در غیر این صورت

دادگاه دعوی مطالبه خسارت را رد خواهد کرد.» هر چند خسارت قابل مطالبه در این ماده ناشی از مسئولیت قراردادی است، ولی با توجه به اینکه در این خصوص بین مسئولیت قراردادی و قهری تفاوتی نمی‌باشد، بنابراین خساراتی که به طور مستقیم ناشی از وقایع زیان‌بار نمی‌باشد قابل مطالبه نمی‌باشد.

معنای این بی واسطه بودن ضرر عبارت است از اینکه بین خسارت موجود و فعل زیان‌بار چیز دیگری وجود نداشته باشد، به طوری که عرفاً بتوان احراز نمود که این ضرر ناشی از آن فعل زیان‌بار بوده است.

یکی دیگر از جمله شرایط ضرر قابل جبران، این موضوع می‌باشد که ضرر در زمان مطالبه، از راهی جبران نشده باشد. لزوم این شرط به این جهت است که موضوع مسئولیت مدنی، جبران خسارت وارده است و اگر خسارت و ضرر وارده به طریقی جبران گردد، با جبران ضرر، موضوع مسئولیت مدنی، که عبارت از لزوم جبران خسارت وارده به زیان دیده است، منتفی می‌شود و با انتفاء موضوع، حکم به لزوم جبران خسارت تبعاً وجهی نخواهد داشت. هدف مسئولیت مدنی اعم از قهری و قراردادی جبران ضرر است.

از دیگر ارکان مسئولیت مدنی فعل یا عمل زیان‌بار است. فعل زیان‌بار اعم از عمل حقوقی (مثل تظاهر فریبنده به وکالت داشتن از طرف دیگری) و یا عمل غیر حقوقی (مثل در اختیار قراردادن مال دیگری از سوی فریبنده به فریب خورده) است. بی‌گمان انسان در اجتماع دارای تفکرات و اعمال و افعال مختلفی است که این لازمه زندگی و حیات اجتماعی نیز هست. گاه در این بین محدوده فعالیت شخصی با دیگر اشخاص جامعه برخورد پیدا می‌کند و ممکن است زیان‌هایی را در پی داشته باشد، اما باید اضافه کرد که نمی‌توان هر عملی که منجر به زیان دیگران می‌شود را موجب مسئولیت مدنی فاعل دانست، بلکه فعالیت‌های زیان‌باری موجب مسئولیت مدنی شناخته می‌شود که دارای شرایط ویژه‌ای باشد. (بهرامی، ۱۳۸۲: ۵۴)

چنان که گفته شد در هر موردی که از عملی به دیگری زیان رسد، مسئولیت مدنی ایجاد نمی‌شود. فعل زیان‌بار باید از نظر اجتماعی ناهنجار تلقی شود و اخلاق عمومی ضرر را ناشیسته بداند. در برخی قوانین مانند قانون مدنی فرانسه، برای بیان نا مشروع بودن کار زیان‌بار مفهوم تقصیر را کافی دانسته است زیرا ارتکاب تقصیر در نظر قانون یا عرف ناپسند است و نیازی به تصریح دوباره نیست. اما این تعبیر در صورتی صحیح است که تقصیر را تنها منبع مسئولیت بدانیم. ولی در نظام‌های حقوقی که مسئولیت بدون تقصیر، هر چند استثنایی، وجود دارد، اشاره به لزوم نا مشروع بودن فعل لازم است. به همین دلیل در قانون مدنی کشورهایی چون سوئیس و آلمان آمده است

که کار زیان بار بایستی بر خلاف قانون و یا نا مشروع باشد. در ماده اول قانون مسئولیت مدنی به این موضوع اشاره شده است. امروزه باید این را بپذیریم که حقوق هیچ ملتی را نمی توان در چارچوب قوانین محدود کرد زیرا قانون می تواند به عنوان اصل و راهنما برای هدایت جامعه مفید باشد. برای ایجاد مسئولیت مدنی منع قانونی ضرورت ندارد، زیرا در این صورت با مسئولیت کیفری مخلوط خواهد شد، همچنین اجازه قانون نیز همیشه کار زیان بار را مباح نمی سازد زیرا گاه ضرورت های اخلاقی اجرای حقی که قانون به افراد داده است را محدود می کند.

فن بوری متخصص حقوق در نظام حقوقی آلمان مبدع این نظریه است، وی در فاصله میان سال های ۱۸۶۰ و ۱۸۸۵ نظریه مزبور را ارائه نمود و طرفداران زیادی در کشورهای اروپایی از جمله آلمان و فرانسه پیدا کرده است. بوری و دیگر حقوقدانان چنین گفته اند که اگر نتوانیم نام یکی از شرایط ایجاد حادثه را سبب بنامیم و به ناچار همه را برابر بدانیم، باید توزیع مسئولیت نیز به همین شکل باشد و همه شرایطی که مجموعه آن ها علت مندرج است، سبب و مسئول باشد. (قهرمانی، ۱۳۹۳، ۵۳)

نظریه ذکر شده بسیار عام است زیرا تمامی عواملی که در بروز حادثه به زیان زنده دخالت داشته، در عداد اسباب شریک در حادثه به شمار آمده و از آن جا که تمامی عوامل به یک میزان مسبب حادثه هستند و از این نظر که نوعی تعادل میان آن ها برقرار می باشد، به عنوان منابع مختلف ضرر محسوب می شوند. در این نظریه همین امر کافی است ثابت گردد که فقدان یکی از عوامل به حاصل نشدن نتیجه منجر خواهد شد. (شیخ الاسلامی، ۱۱۴، ۱۳۹۲) به همین اعتبار عامل ذکر شده به عنوان پدید آورنده زیان، با دیگر عوامل ایجاد کننده ضرر در حالت مساوی خواهد بود.

سبب نزدیک نیز به بحث مرتبط بوده و به عنوان سببی اطلاق می شود که در زنجیره اسباب، آخرین سبب به شمار می رود. در توجیه این نظر گفته شده است که پیش از آخرین حادثه همه چیز حالت طبیعی و عادی خود را دارد ولی آخرین آن ها وضع را دگرگون می سازد و ضرر را ایجاد می کند، فرانسیس بیکن فیلسوف مشهور انگلیسی، در انتقاد از نظریه برابری اسباب و لزوم قناعت به آخرین آن ها می نویسد: برای علم حقوق قضاوت درباره تمام علت و معلول ها و اثر هر یک بر دیگری وظیفه ای پایان ناپذیر است و به همین جهت به علت مستقیم و بی واسطه اکتفا می کند. اما اکتفا به آخرین سبب برای تحمیل مسئولیت در بسیاری از موارد کار نا معقولی است.

۲. شرایط عام تحقق مسئولیت قهری و قراردادی وکیل دادگستری

برای وکیل دادگستری همانند سایر اشخاص، مسئولیت مدنی در مقابل ضرری که به دیگری وارد می‌نماید، متصور است. برای تحقق مسئولیت مدنی اعم از قهری و قراردادی، شرایطی لازم است. ورود ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت میان آن دو، شرایط عام و مشترک در مسئولیت مدنی می‌باشد.

متضرر از فعل زیانبار، در شرایطی می‌تواند دعوی مطالبه خسارت علیه وارد کننده زیان را مطرح نماید که بتواند رابطه سببیت میان آن دو را ثابت نماید و یا به عبارتی دیگر شخص زمانی مسئولیت مدنی می‌یابد که با انجام فعلی زیان بار موجب ورود ضرر به دیگری شده و مهم تر اینکه بین عمل مرتکب و زیان وارده، رابطه علیت یا سببیت وجود داشته باشد.

در این مقاله به بررسی این سه شرط تحقق مسئولیت مدنی خواهیم پرداخت. در واقع این سه شرط هم در مسئولیت قراردادی و هم قهری از ارکان مسئولیت می‌باشند.

۱-۲. ورود ضرر

ورود ضرر یکی از ارکان و شرایط اساسی مسئولیت مدنی است زیرا موضوع مسئولیت مدنی جبران ضرر ناروا است و تا زمانی که ضرری محقق نشود موضوعی برای جبران وجود ندارد و در نتیجه مسئولیت مدنی سالبه به انتفاء موضوع است. (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۳۶)

در قانون مدنی ایران، در هیچ ماده‌ای از وجود ضرر و خسارت به عنوان رکن اصلی مسئولیت مدنی نامی به میان نیامده است. اما در مواد ۲۲۱-۲۲۶-۲۲۷ همین قانون، کلمه «خسارت» بکار رفته است و این سکوت قانون را باید دلیلی بر بدهت آن دانست زیرا کسی که زبانی به وی وارد نشده، حقی بر طرف مقابل پیدا نمی‌کند.

در ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹، پذیرش دعوای مطالبه خسارت، در صورتیست که مدعی خسارت ثابت کند ضرری به او وارد شده است. ماده یک قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ نیز ضرورت ورود ضرر را با این عبارت بیان می‌کند: «هرکس بدون مجوز قانونی... لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگر شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» در ماده ۱۲۱۶ ق. مدنی نیز آمده است: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر شود، ضامن است.»

در مسئولیت قراردادی نیز لازم است که از عدم انجام تعهد متعهد، به متعهد له خسارت وارد شود تا او ملزم به جبران آن گردد. زیرا هدف مسئولیت مدنی و قراردادی، احقاق حق و جبران خسارت است و تا خسارتی وارد نشود، مسئولیت، فاقد موضوع است. (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۳۸)

علاوه بر این، به اقتضای اصل نسبی بودن قراردادها، ضرر بایستی از جانب متعهد قراردادی به متعهد له قرارداد، وارد شود. در واقع می‌توان گفت که زیان دیده فقط می‌تواند علیه متعهد قراردادی که ضرر را به او وارد نموده، دعوی مسئولیت قراردادی طرح نماید و یا به عبارتی دیگر متعهد قراردادی چنانچه نقض تعهد نماید و سایر شرایط تحقق مسئولیت نیز فراهم باشد، فقط در مقابل متعهد له همان قرارداد که ضرر به او وارد شده، مسئولیت قراردادی خواهد یافت.

وکیل دادگستری نیز چنانچه با نقض تعهدات قراردادی، ضرری به موکل وارد نماید، مسئولیت قراردادی خواهد داشت و صرف نقض تعهد بدون ورود ضرر به موکل، ممکن است محکومیت انتظامی یابد و مسئولیت قراردادی موضوعیت نخواهد داشت. البته ضرر اقسام و شرایطی دارد که از حوصله بحث خارج است. ضررمادی، معنوی، بدنی اقسام آن می‌باشند، در خصوص شرایطش هم باید مسلم باشد، مستقیم باشد، جبران نشده باشد و قابل پیش بینی باشد. (انصافداران، ۱۳۹۶:

۸۷)

۲-۲. فعل زیانبار

هر ضرری که بر شخصی وارد می‌آید و موجب مسئولیت مدنی یا ضمان ضرر زننده می‌شود از فعل یا عملی ناشی می‌گردد و لازم نیست که عملی که موجب ضرر شده، عمل مادی باشد بلکه می‌تواند حرف و مقاله باشد، ترک فعل باشد، فریب دادن و به اشتباه انداختن باشد، همچنین ممکن است تهدید و اکراه باشد. مسئولیت مدنی بدون فعل محقق نمی‌شود. حتی در فقه نیز صرف تحقق ضرر بدون فعل عامل زیان تحت شمول قواعد لاضرر و اتلاف و تسبیت قرار نمی‌گیرد و از این حیث ضمان ایجاد نمی‌شود.

به عبارت دیگر، مسئولیت مدنی اعم از اینکه مبتنی بر تقصیر باشد یا بر مبنای خطر، فعل زیان‌آور شرط تحقق آن است منتها در مسئولیت مبتنی بر تقصیر این فعل لازم است که تقصیر محسوب شود. مبنای اصلی مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران، نظریه تقصیر است، بنابراین طبق قواعد، فعل زیانبار می‌باید تقصیر محسوب گردد تا شخص مسئول به شمار آید. برخی از استادان حقوق ایران علاوه بر این گفته‌اند که فعل زیان بار لازم است نامشروع باشد هر چند که تحقق برخی عناوین توجیه‌کننده (مشروع‌کننده)، فعل زیان بار است. در واقع ایشان در بحث از حقوق فرانسه این را بیان داشتند و معتقدند که این تعبیر در صورتی درست است که تقصیر منبع منحصر مسئولیت باشد. (باریکلو، ۱۳۹۷: ۲۵۷)

نظر به اینکه در قوانین و مقررات مربوط به مسئولیت مدنی، صریحاً نامشروع بودن فعل زیان بار به عنوان شرط مسئولیت نیامده است وانگهی می‌توان گفت نامشروع بودن در مفهوم تقصیر مستتر است و عنوان علل موجه (یعنی رافع تقصیر) رساتر به نظر می‌رسد.

در تعریفی که از ماده یک قانون مسئولیت مدنی می‌توان برداشت کرد آن است که، «تقصیر عبارت است از وارد ساختن خسارت به جان، مال، سلامتی، آزادی، حیثیت یا شهرت تجاری یا هر حق دیگری در اثر اقلام عمدی یا در نتیجه بی احتیاطی است، مشروط بر این که اقدام انجام شده، غیر قانونی باشد.» تعریف ماده یک، با تعریف مرسوم تقصیر نیز هماهنگی دارد.

در تعریف مرسوم، تقصیر «کاری است نا مشروع که قابل انتساب به مرتکب باشد.»

بنابر تعاریف قانون و مرسوم، تقصیر تنها در صورتی محقق می‌شود که فعل یا ترک فعل ارتكابی «غیر قانونی» باشد. اگر این لفظ به طور مضیق تفسیر گردد، در آن صورت «فعل نامشروع» داخل در بحث نخواهد بود واضح است که این تعبیر را نمی‌توان صحیح محسوب داشت. پس باید پذیرفت که اگر شخصی با مجوز «شرعی» به دیگری خسارت وارد کند، حتی اگر قانون پشتیبان این وضعیت نباشد، باز هم بری از مسئولیت خواهد بود.

در مسئولیت قراردادی، امتناع از تعهد، تنها در صورتی می‌تواند مستمسک مسئولیت وی به جبران قرار گیرد که ادله موجهی برای انتساب امتناع به قصور یا تقصیر وی در میان باشد. متخلف از اجرای قرارداد علی‌الاصول به خاطر تقصیر خویش مسئول است، هرچند در اکثر موارد عدم اجرای تعهد خود تقصیر است و نیاز به دلیل دیگری ندارد. (حجتی، ۱۳۹۳: ۶۸)

در خصوص وکیل دادگستری نیز، فعل زیانبار هم می‌تواند نقض قرارداد باشد و او را در مقابل موکل مسئول نماید و هم می‌تواند تقصیر باشد و او را در مقابل سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی مسئول جلوه دهد. تقصیر از انضامات کانون وکلا، در شرایطی علاوه بر تخلف انتظامی وکیل می‌تواند موجب مسئولیت مدنی وی در مقابل کانون وکلا گردد. در واقع در دعوی مربوط به وکلا، پزشکان و دیگر اشخاصی که آموزش‌ها یا اطلاعات تخصصی دارند، رفتار استاندارد براساس رفتار معقول اشخاصی که در این رشته‌ها و تخصص مهارت دارند، مد نظر قرار می‌گیرد. خطای صاحبان مشاغل در اجرای کاری که حرفه آنان است، تقصیر شغلی محسوب می‌گردد، مثل خطای وکیل در دعوا.

برای تحقق مسئولیت مدنی تنها وجود خسارت و تقصیر با فعل زیان بار کافی نیست، بلکه باید رابطه سببیت یا علیت بین خسارت وارده و تقصیر یا فعل زیان بار وجود داشته باشد عدالت و منطق حکم می‌کند که هیچ کس مسئول زبانی که ناشی از تقصیر یا فعل زیان بار او نیست، نباشد. (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۴۸) عبارات مختلف قانونی به ویژه «... مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مفید همین معناست. پس زیان دیده برای مطالبه خسارت باید اثبات کند که رابطه سببیت بین خسارت وارده و عمل خوانده دعوی وجود داشته است از سوی دیگر خواننده که زیان به ظاهر ناشی از عمل اوست می‌تواند ثابت کند که یک علت خارجی که مربوط به او نیست باعث ایراد خسارت شده است.

در واقع می‌توان گفت با اثبات این مسأله که ضرر وارده در اثر عمل فاعل زیان به وجود آمده می‌توان الزام وی را به جبران خسارت خواستار شد و تنها مسأله‌ای که می‌تواند مانع از این ضمان گردد، اثبات فقدان رابطه سببیت بین فعل زیان زننده و ضرر وارده است که آن هم ادعایی است که باید از طرف زیان زننده ثابت گردد.

در برخی نظام های حقوقی، مفهوم رابطه سببیت را با «شرط لازم» یکسان می‌دانند و می‌گویند سبب فعلی است که، اگر انجام نمی‌شد، خسارت به بار نمی‌آمد. این نشانه گمراه کننده و موجب اختلاط شرط و سبب واقعی و متعارف است. وجود شرط ملازمه با ورود ضرر ندارد، در حالی که این ملازمه میان سبب و ضرر وجود دارد. بنابراین بهتر است برای فهم رابطه سببیت به زبان روزمره و عرف عام مراجعه نمود.

رابطه سببیت که از شرایط تحقق هر دو نوع مسئولیت قهری و قراردادی می‌باشد باید توسط زیان دیده به اثبات برسد و این قاعده ی کلی است اما گاهی با معاف شدن خواهان از اثبات آن تخصیص می‌خورد. این مورد استثناء فرض سببیت می‌باشد و جایگاه آن در دو زمینه می‌باشد. مواردی که تقصیر در آنها مفروض است و مواردی که اثبات رابطه سببیت به دلیل شرایط خاص بسیار دشوار است و از این رو وجود فرض سببیت در آنها توجیه دارد. (نادری، ۱۳۹۴: ۱۵۶)

در مسئولیت‌های قراردادی برای اینکه خسارت وارده در نتیجه تخلف از اجرای تعهد قابل جبران باشد، بایستی میان تخلف از قرارداد و ورود خسارت، رابطه سببیت وجود داشته باشد. متعهد له که از تخلف متعهد زیان دیده است، برای مطالبه خسارت خویش باید علاوه بر اثبات ورود ضرر، رابطه سببیت مستقیم را نیز اثبات نماید. به نظر می‌رسد که آنچه در تحقق رابطه سببیت دخالت دارد استناد عرفی خسارت به عامل زیان می‌باشد.

در نظریه قابلیت استناد، عامل توجیه کننده مسئولیت، قابلیت استناد زیان به عامل آن است. براساس این نظریه، هرگاه زبانی به بار می‌آید باید به دنبال دلیل این بود که عرف این زیان را مستند به چه کسی می‌داند. این نظریه می‌تواند به عنوان مبنای مسئولیت مدنی در مسئولیت قراردادی و قهری مورد استفاده قرار گیرد، ولی ضمان ناشی از علی‌الید (غاصب) از شمول این نظریه خارج است. (میرزایی، ۱۳۹۴: ۷۶)

بنابراین تقصیر، رابطه سببیت و قابلیت استناد مفاهیم مستقل از هم دارند و تقصیر تنها وسیله‌ای برای تسهیل تشخیص رابطه سببیت است و نباید مفهوم رابطه سببیت و مسئولیت و مفهوم تقصیر و رابطه سببیت با هم خلط گردد.

در باب مسئولیت مدنی و کیل نیز در مواد ۶۶۶ و ۶۳۹ قانون مدنی، وجود سببیت عرفی شرط مسئولیت و کیل در قبال موکل و مالک در قبال متصرف مال محسوب شده است. در واقع چه در مسئولیت قراردادی و کیل دادگستری در مقابل موکل و چه در مسئولیت قهری او در مقابل سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی، چنانچه سایر شرایط تحقق مسئولیت که تا به اینجا بیان شد، وجود داشته باشد، مسئولیت و کیل حتمی است. در واقع زمانی که وکیل یکی از تعهدات قراردادی خود را در مقابل موکل نقض می‌نماید و از این حیث ضرری متوجه موکل می‌گردد، موکل می‌تواند علیه او دعوای مطالبه خسارت قرارداد مطرح نماید.

همچنین در مقابل سایر اشخاص که بین آنها و وکیل قراردادی وجود ندارد، چنانچه با عمل وکیل، ضرری به آنها وارد شود، در صورت وجود رابطه سببیت عرفی میان عمل وکیل و ضرر وارد شده، وکیل دادگستری در مقابل آنها مسئولیت قهری می‌یابد و ملزم به جبران خسارت خواهد بود.

۳. شرایط خاص تحقق مسئولیت قراردادی وکیل دادگستری

از آنجایی که برای وکیل دادگستری در مقابل موکل، علاوه بر مسئولیت قهری، مسئولیت قراردادی نیز متصور است، بررسی شرایط خاص تحقق این مسئولیت نیز ضروری به نظر می‌رسد. همانطور که در مقاله قبل توضیح داده شد، ورود ضرر، فعل زینبار و رابطه سببیت بین ضرر وارده و فعل زینبار، شرایط عام و مشترک در هر دو نوع مسئولیت می‌باشد اما در خصوص مسئولیت قراردادی همانطور که از نامش پیداست، وجود قرارداد یکی از شرایط اساسی تحقق مسئولیت می‌باشد و بدون وجود قراردادی صحیح و نافذ، مسئولیت قراردادی موضوعیت نخواهد داشت و چنانچه سایر شرایط تحقق مسئولیت فراهم باشد، می‌توان از حیث مسئولیت قهری به آن نگریست. در قرارداد های باطل و غیر نافذ نیز همین حکم جاریست. (پناهی، ۱۳۹۵: ۸۶)

شرط دیگر تحقق مسئولیت قراردادی، خودداری از انجام تعهد یا همان نقض تعهد می‌باشد. این شرط را می‌توان همان فعل زیانبار در نظر گرفت و اینگونه تفسیر نمود که چنانچه قراردادی صحیح بین اشخاص وجود داشته باشد و یکی از طرفین با نقض تعهدات آن قرارداد، موجب ورود ضرر به طرف دیگر شود و رابطه سببیت نیز میان نقض تعهد و ورود ضرر برقرار باشد، متعهد در مقابل متعهد له، مسئولیت قراردادی خواهد داشت، بنابراین نقض تعهد قراردادی معادل فعل زیانبار در شرایط عام تحقق مسئولیت مدنی (اعم از قهری و قراردادی) می‌باشد. (مهمان نوازان، ۱۳۸۹: ۱۹۹)

در این مقاله بر آنیم تا با بررسی شرایط خاص تحقق مسئولیت قراردادی و مطابقت آنها با وظایف و تعهدات قراردادی وکیل در مقابل موکل، مسئولیت قراردادی وکیل دادگستری را شناسایی نماییم.

۳-۱. وجود قرارداد

یکی از شرایط اساسی تحقق مسئولیت قراردادی، وجود قرارداد می‌باشد. زیرا این مسئولیت ناشی از نقض تعهدات قراردادی می‌باشد. بنابراین وجود قرارداد صحیح و نافذ بین زیان دیده و عامل زیان، شرط اساسی این نوع مسئولیت خواهد بود و در صورت عدم وجود قرارداد، تعهد ناشی از قرارداد برای مسئول محقق نمی‌شود تا تخلف از آن، فعل زیانبار محسوب گردد.

از قراردادهای باطل و قراردادهای غیر نافذ تعهدی ناشی نمی‌شود تا تخلف از انجام آن، فعل زیانبار متعهد محسوب گردد. در صورتی که قرارداد منعقد شده باطل باشد، مسئولیت احتمالی طرفین نسبت به یکدیگر، مسئولیت مدنی به مفهوم خاص (ضمان قهری) آن است و تا زمانی که قرارداد منعقد شده نافذ نباشد، خسارات وارده به آنها مشمول قواعد مسئولیت قرارداد نمی‌شود. در واقع چنانچه شرایط اساسی صحت معاملات که موضوع ماده ۱۹۰ قانون مدنی است، در قرارداد رعایت شده باشد، شرط اول مسئولیت قراردادی محقق است.

بنابراین مطالب چنانچه بخواهیم در خصوص مسئولیت قراردادی وکیل دادگستری در مقابل موکل سخن گوئیم، این شرط محقق است. زیرا با در نظر گرفتن شرایط اساسی صحت قراردادهای، وکیل و موکل باهم قرارداد وکالت منعقد می‌نمایند. (پناهی، ۱۳۹۵: ۱۳۵) تعهداتی که به طور صریح و یا ضمنی در این قرارداد قید می‌شود، برای طرفین الزام آور است. چنانچه وکیل آنها را نقض نماید و از این رهگذر ضرری متوجه موکل گردد، مسئول جبران خسارت وارده به موکل خواهد بود. به نظر ماده ۲۲۱ قانون مدنی مستند این به شرط تحقق در مسئولیت قراردادی می‌باشد. ماده ۲۲۱

قانون مدنی چنین مقرر داشته: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است، مشروط بر این که جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد.» نکات زیادی در این ماده وجود دارد اما نکته‌ی مورد نظر در این قسمت که از واژه‌ی تعهد در این ماده استنباط می‌شود، تعهد ناشی از عقد یا قرارداد است. هر چند تعهد می‌تواند یکی از آثار عقود باشد نه اثر منحصر آن.

بنابراین چنانچه سایر شرایط تحقق مسئولیت قراردادی نیز وجود داشته باشد، وکیل در مقابل موکل، مسئولیت قراردادی خواهد داشت و مسئول جبران خسارت (تصریح در قرارداد، ضمنی و عرفی، بر اساس قانون) خواهد بود. گاهی نیز سایر اشخاص (حقیقی یا حقوقی) از تخلف وکیل، متضرر می‌شوند مانند کانون وکلای دادگستری، شخص ثالث، طرف دعوی و... به عنوان مثال، ممکن است وکیل، با به کار بردن خدعه و تقلبی موفق به اخذ حکم به نفع موکل و محکومیت به نفع طرف دعوی ورود زیان به نامبرده گردد و به عنوان سبب ورود زیان، مسئولیت جبران خسارت وارده را خواهد داشت. در مثال دیگر، ممکن است با تقلب یا ارائه اسناد جعلی موفق به اخذ دستور موقت یا تأمین خواسته علیه طرف دعوی گردد و سپس از اجرای دستور، هر چند طرف دعوی موفق به ابطال دستور موقت یا تأمین خواسته گردد، سبب ورود خسارت شود. در این شرایط رفع دستور توسط طرف موکل، مانع مسئولیت وکیل نمی‌گردد. ملاحظه می‌شود که در برخی موارد، مسئولیت وکیل در مقابل موکل قراردادی است. اما در مقابل سایر اشخاص به دلیل عدم وجود قرارداد، مسئولیت وی نمی‌تواند قراردادی باشد. (ابراهیم زاده، ۱۳۹۸: ۱۷۳)

۳-۲. نقض تعهد

علاوه بر وجود قرارداد، برای تحقق مسئولیت قراردادی، لازم است که متعهد تعهد خود را انجام نداده یا از نحوه انجام آن تخلف کرده باشد. لزوم این شرط به این جهت است که عدم انجام تعهد در مسئولیت قراردادی، فعل زیانبار مسئول و متعهد، متخلف محسوب می‌شود و تا زمانی که شخص از انجام تعهد خودداری نکند، نمی‌توان او را مسئول تلقی نمود. امتناع از تعهد ممکن است، عدم انجام صرف و کامل باشد، مانند موردی که هنرمندی به نقاشی تابلوی خاص در مدت معین تعهد نماید ولی در مدت معین شده، اصلاً تابلوی مذکور را نقاشی ننماید و یا ممکن است انجام ناقص یا نادرست تعهد باشد، مثلاً متعهدی که در مقام تسلیم کالا، کالای معیوبی تسلیم مشتری می‌کند، تعهد خود را انجام داده است، ولی کامل انجام نداده، البته مشتری می‌تواند خواستار تسلیم کالای

سالم شود ولی ممکن است کالای مذکور ضرری به مشتری وارد نماید، متعهد مسئول جبران آن می‌باشد. (بهرامی، ۱۳۸۲: ۷۰)

بنابراین بدیهی‌ترین حالت تخلف از قرارداد، عدم انجام کامل آن است. موردی است که متعهد رسماً اعلام نماید که از اجرای قرارداد، استنکاف خواهد ورزید. مانند این که وکیلی با موکل قرارداد وکالت منعقد نموده و در مواردی که تعهدش به نتیجه است اعلام نماید که نمی‌تواند موضوع تعهد را انجام دهد. مثلاً وکیل در تجدید نظر خواهی باشد و در لحظات پایانی مهلت آن، اعلام استعفا نماید و موکل فرصتی برای اقدام نداشته باشد و حکم دادگاه بدوی به علت عدم تجدید نظر خواهی، قطعیت یابد و این رأی قطعی به ضرر موکل باشد.

در مواردی هم که موضوع تعهد، مجموعه‌ای از تکالیف قراردادی است و متعهد فقط بخشی از تعهدات خود را انجام می‌دهد، نسبت به بخش‌های انجام نشده قرارداد، باید او را متخلف از مفاد عقد دانست و متناسب با آن، وی را مسئول شناخت. بدیهی است چنانچه بین اجزای تعهد پیوستگی به گونه‌ای باشد که کل اجزای تعهد به عنوان یک مجموعه مورد نظر متعاهدین بوده باشد، اجرای بخشی از آن توسط متعهد چیزی از مسئولیت قراردادی وی نمی‌کاهد. در صورتی که کیفیت انجام تعهد نیز به نحو مطلوب نباشد، تعهد انجام نشده محسوب می‌گردد. (عباسلو، ۱۳۹۵: ۸۸)

در خصوص وکیل نیز مجموعه‌ای از تکالیف اعم از قراردادی و قانونی متصور است. قبلاً در خصوص تعهدات به وسیله به نتیجه وکیل سخن گفته شد. دانستیم که در خصوص سرنوشت دعوی تعهد وکیل، تعهد به وسیله می‌باشد ولی چنانچه نتیجه را در قرارداد تضمین نماید، تعهد به وسیله به تعهد به نتیجه تبدیل می‌شود و این تعهد، مجموعه‌ای از تعهدات به هم پیوسته‌ای است که مورد نظر موکل می‌باشد. از تقدیم دادخواست در طرح دعوی گرفته تا پایان دادرسی، مجموعه‌ای از تعهدات مورد نظر موکل می‌باشد. چنانچه وکیل دادخواست را ثبت کند ولی در جلسه دادگاه بدون عذر موجه حاضر نگردد و لایحه هم نفرستد، علاوه بر این که متخلف انتظامی محسوب می‌گردد، در صورت صدور حکم علیه موکل و ورود ضرر به وی، وکیل مسئولیت قراردادی دارد و ملزم به جبران خسارت وارده به موکل می‌باشد. (بیدرام، ۱۳۹۲: ۷۵)

در نتیجه ی این بحث می‌توان گفت، چنانچه سایر شرایط تحقق مسئولیت قراردادی وکیل محیا باشد، وکیل با نقض تعهدات قراردادی به موکل خویش وارد کرده و مسئولیت قراردادی در مقابلش خواهد داشت.

۴. مسئولیت مدنی وکیل در فرض تخلف انتظامی

در مبحث گذشته شرایط تحقق مسئولیت قهری و قراردادی بررسی شد و دانستیم که مسئولیت وکیل دادگستری حسب مورد می‌تواند قراردادی یا قهری باشد.

فردی که به وکیل به عنوان یک متخصص در حرفه وکالت، مراجعه می‌نماید و در خصوص مشکل حقوقی خود مشاوره می‌گیرد، ممکن است وکیل مورد نظر با بی‌دقتی مشاوره نماید و یا مهارت علمی کافی در این خصوص نداشته باشد. و همچنین ممکن است با موکل قرارداد وکالت با موضوع و نحوه مشخص منعقد نماید ولی در انجام آن کوتاهی کند و مرتکب نقض تعهدات گردد. از سوی دیگر، وکیل اعم از مدنی و دادگستری طبق عمومات قانون مدنی یکسری وظایف مانند «رعایت مصلحت موکل»، «دادن حساب مدت وکالت» و... را بر عهده دارد. مطابق قوانین خاص حرفه ی وکالت، رعایت مواردی مانند، «حفظ اسرار موکل»، حضور در جلسات دادرسی و سایر وظایف در مقابل موکل و اشخاص دیگر، برای وکیل الزامی است.

از آن جا که نقض الزامات حرفه وکالت، تخلف انتظامی محسوب و حسب مورد محکومیت انتظامی، وکیل را در پی دارد، سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا می‌توان رابطه‌ای میان تخلفات انتظامی و مسئولیت مدنی وکیل دادگستری پیدا کرد؟ یا به عبارت دیگر آیا همه‌ی تخلفات انتظامی وکیل، فعب زیانبار یا تقصیر وکیل محسوب شده و با احراز سایر ارکان و شرایط تحقق، مسئولیت مدنی وی را به دنبال خواهد داشت؟ برای پاسخ به این سؤال باید گفت، به این موضوع نباید به صورت کلی و مطلق جواب داد و حسب مورد در پرونده های مختلف، ممکن است برخی تخلفات انتظامی، زمینه ساز مسئولیت مدنی وکیل باشند. یعنی اگر در اثر تخلفات انتظامی وکیل، ضرری به شخص وارد آید (حتی طرف مقابل موکل) و رابطه سببیت میان تخلف وی و ضرر وارده، احراز گردد، وکیل دادگستری مسئولیت مدنی یافته و ملزم به جبران خسارت می‌باشد. (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۲: ۵۴)

در مبحث گذشته تخلفات انتظامی وکلا مورد بررسی قرار گرفت. در اینجا نیازی به تکرار آن موارد نیست و برخی مصادیق که ممکن است که منجر به مسئولیت مدنی وکیل گردد، بیان می‌شود.

ماده ۸۹ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۴ مقرر می‌دارد: «تعقیب انتظامی مانع تعقیب مدنی یا کیفری نیست.» بنابراین چنانچه عمل ارتكابی توسط وکیل هم جنبه انتظامی داشته باشد و هم مدنی یا کیفری، حسب مورد در دادگاه های صالح قابل پیشگیری می‌باشند.

نتیجه گیری

اقدامات وکیل ممکن است منتهی به ضرر رساندن به حق‌های طرفین اختلاف شود که در این صورت با مسئولیت مدنی مواجه می‌شود ولی اگر رفتار وکیل نقض قانون بوده و جرم محسوب شود در این صورت در معرض رسیدگی کیفری و تحمل مجازات قرار می‌گیرد به عبارتی با مسئولیت کیفری روبروست. روش‌های تضمین جبران خسارت ناشی از مسئولیت مدنی به جهت فقدان قوانین و عدم الزامات قانونی کافی، اجرایی نشده است. بیمه مسئولیت مدنی حرفه‌ای وکیل می‌تواند، هم حرفه‌ای‌ها را در تصمیم بین بیم و امید، ریسک و خطر پذیری یا احتیاط و ترک خدمت امید بخشد و هم می‌تواند مردم را به پذیرش راه حل‌های وکالتی هدایت کند و ایشان را از رضایت به ظلم یا از دست رفتن حقوق در برابر محاکم متراکم و پرتردد مانع شود.

در خصوص قوانین متعدد و پراکنده راجع به وکالت دادگستری و سیستم واحدی جهت تعیین وکیل دادگستری در جامعه کنونی ما و امکان تدوین قانون مستقل و دقیق و یکپارچه هر چه بهتر در بین قوانین ما احساس می‌شود. همچنین در خصوص تعهدات وکیل دادگستری و وظایفی که شاغلین در این حرفه دارند شایسته است در قوانین مربوط به حرفه وکالت و همچنین در پیشنویس اخیر لایحه ی وکالت هرچه شفاف تر به حرفه ی شریف وکالت و تعهدات یک وکیل دادگستری تبیین گردد که در رفع اختلافات احتمالی کمک شایانی می‌نماید.

با عنایت به مراتب فوق از آنجا که وکالت از جمله مشاغل آزاد اگرچه در قالب یک قرارداد خصوصی بوده است لیکن با توجه به قواعد پراکنده متعدد و همچنین رشد روز افزون جمعیت جامعه کنونی ما و همچنین شأن و جایگاه شغل وکالت به عنوان شغل مهم و حساس در کنار سیستم قضایی کشور شایسته است این قرارداد خصوصی مورد عنایت قانونگذار قرار گرفته و مثل دیگر عقود معین در قانون برای آن جایگاه مستقل و در قالب عقود معین در قانون مدنی قرار گیرد.

منابع

۱. ابراهیم زاده، سیروس، وکیل تسخیری، نشر حیدری، چاپ سوم، ۱۳۹۸
۲. ابراهیمی، شهلا، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری، نشر البرز، چاپ دوم، ۱۳۹۷
۳. انصافداران، محمدرضا، بررسی تطبیقی وظایف حرفه‌ای وکیل دادگستری، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۹۶
۴. باریکلو، علی رضا، مسئولیت مدنی، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۷

۵. بهرامی، بهرام، وکالت (اثر دکتر عبدالرزاق سنهوری)، انتشارات روزنامه رسمی، چاپ دوم، ص ۶
۶. بیدرام، شیرین، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری در حقوق ایران، مجله کانون وکلای دادگستری اصفهان، زمستان ۱۳۹۲
۷. پناهی، مهدی، بررسی شرط وکالت و شرط عدم عزل وکیل ضمن عقد خارج لازم، ماهنامه پژوهش ملل، شماره ۸، مرداد ۱۳۹۵
۸. حجتی، سید مهدی، مجموعه دیدگاه های وکیل دادگستری، نشر کتاب آوا، چاپ سوم، ۱۳۹۳
۹. السان، مصطفی، «مفهوم تقصر در مسئولیت قراردادی و قهری» و مبحثنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ششم، شماره بیست و یکم، ۱۳۸۹
۱۰. شیخ الاسلامی، مرتضی، وکیل دادگستری و تخلفات انتظامی، نشر خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۲
۱۱. طاهری، سید حبیب الله، مسئولیت مدنی، نشر جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵
۱۲. عباسلو، بختیار، نقش تخلف انتظامی در مسئولیت وکیل، نشر بامداد، چاپ دوم، ۱۳۹۵
۱۳. قهرمانی، نصرالله، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری، نشر نسل نیکان، چاپ سوم، ۱۳۹۳
۱۴. محسنی، حسن، وکالت و کانون وکلای دادگستری در نظام های حقوقی، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۹۳
۱۵. مرادی، امیر، اخلاق حرفه ای وکالت، رویکرد اسلامی، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، ش ۱۳۹۳، ۴۹
۱۶. مهمان نوازان، روح الله، خسارات قابل جبران در حقوق ایران، نشر مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۹
۱۷. میرزایی، محمود، صد مقاله در مورد وکیل، نشر روان، چاپ دوم، ۱۳۹۴
۱۸. نادری، ناصر، وکیل دادگستری مدافع بی دفاع، نشر امیدوار، چاپ سوم، ۱۳۹۴
۱۹. نشریه داخلی کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره بیست و هشتم، اسفند ۱۳۸۲